

خبرها

نیکبخت بالاخره در پرسیولیس

بالاخره ستاره فصل قبل ابومسلم بعد از کلی بالا و پایین شدن به جایی رفت که اسمال پرستاره‌ترین تیم لیگ به نظر می‌رسد. حسین بادامکی به همراه نیکبخت واحدی فعلاً از آس‌های فصل نقل و انتقالات هستند که با قرارداد دوساله‌شان با پرسپولیس در روزهای بی‌خبری فوتبال ایران پس از حذف تیم ملی، داغ‌ترین خبر ممکن را رقم زدند. بادامکی که البته از صیابارتی و استقلال هم پیشنهاد داشت، می‌گوید: «به‌خاطر علاقه به پرسپولیس آمدم. عمر فوتبالم در ابومسلم تمام شده‌بود، اما حالا فکر می‌کنم به آرزوی همیشگی‌ام رسیده‌ام.» اما دربارۀ نیکبخت قضیه فرق می‌کند. او یک استقلال‌ی دواتشه‌است، رفتش به رقیب مشهوری، به هر حال ناشی از حاشیه‌هایی است که از قمار معلوم و به طریق گفته‌های خود نیکبخت امیر برقرار می‌شود. بادامکی مسیب اصلی آن بوده‌ است. قلعه‌نویی که قبلاً هم با ستاره‌های بزرگ تیم مثل علی سامره، محمد نوازی، سهراب بختیاری‌زاده، مهدی باساززاده و مهدی هاشمی نسب به مشکل برخوردۀ بود، طبق رویه پیشین اسمال هم در خروجی باشگاه را به یک بازیکن اسم و رسم دار دیگر نشان داده. اتفاقی که معلوم نیست به‌رغم انتقاد هواداران استقلال به نیکبخت، جایگاه‌امر قلعه‌نویی و محبوبیتش را کمافی‌السابق در بورس نگه خواهد داشت یا نه؟نیکبخت می‌گوید: «به دلیل پاره‌ای مشکلات تصمیم به جدایی از استقلال گرفتم و با پرسپولیس وارد مذاکره شدم، هواداران استقلال در آینده‌ای نزدیک متوجه وجود این مشکلات در باشگاه خواهند شد. «آینده، نزدیک است. آینده‌ای که البته با بدرخشش احتمالی نیکبخت در تیم جدید، تبعات بیشتری در پی دارد. قراردادی نیکبخت دور و بر دویست و چهل میلیون تومان است.

توصیه‌های دادکان به هاشمی

رئیس پیشین فدراسیون فوتبال طی نامه‌ای به سرپرست جدید فدراسیون بر حفظ استقلال فدراسیون تأکید کرد. در نامه محمد دادکان به کیومرث هاشمی آمده: حضور جناب‌عالی را در عرصه فوتبال کشور خیرقدم عرض نموده و برای جناب‌عالی آرزوی توفیق و خدمت به رشد و توسعه فوتبال کشور را دارم. به عنوان فردی از جامعه ورزش و فوتبال ملی که با نامش در مذكر گشت شوم: هم‌راهی همه‌جانبه سازمان تربیت‌بدنی، کمیته ملی المپیک و رسانه‌های گروهی با جناب‌عالی فرصت مغتنمی است که در گذشته وجود نداشته و این امر با هماهنگی می‌تواند جناب‌عالی را در انجام وظایف محوله یاری رساند. تجارب زیاده‌ای در کوران روزهای سخت‌اداره فوتبال کشور اندوخته‌ام که در طبق اخلاص خواهم گذاشت لکن توصیه دو مورد اساسی را لازم می‌دانم:

۱- لحاظ کردن استقلال فدراسیون به عنوان خیرمراهی اصلی پیشرفت و توسعه فوتبال کشور در سیاست‌های کلی برنامه‌ریزی و توسعه فوتبال کشور است از این حرم را به جناب‌عالی توصیه می‌نمایم.

۲- توجه عملی به فوتبال پایه در رشد و توسعه کمی و کیفی فوتبال امر بدیهی است که سرلوحه برنامه‌های همه کشورهای پیشرفته در عرصه فوتبال می‌باشد. فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران چند سالی است که به این مهم همت گماشته و سرمایه‌گذاری خوبی را در امر برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل این مقوله اساسی انجام داده که میوه‌های شیرین آن در حال به ثمر نشستن است و مطمئناً در سال‌های نه‌چندان دور فوتبال کشور از آن سود فراوانی را خواهد برد، لذا توصیه دیگر بنده این است که این مقوله اساسی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

خشن‌تر از کعبی

خبرگزاری فارس به نقل از فیگو و پس از نود دقیقه بزین پرتغال با هلند نوشت: «هلندی‌ها بسیار عصبی فوتبال بازی می‌کردند و به شیوه فوتبال آمریکایی ما را درو می‌کردند، آنها قصد داشتند با خشونت بر ما پیروز شوند.» فیگو البته یک جمله اساسی هم گفته و آن اینکه «وقتی آن ضربه را به صورت زدند، یاد بازی با ایران و خطاهای بازیکن شماره ۱۳ آنها افتادم. آنها از کعبی هم خشن‌تر بودند.»

هاشمیان بدشانسی

کارنامه وحید هاشمیان در جام جهانی به هر حال قابل دفاع است. بازیکنی که خوب می‌دوید، برای خودش موقعیت ایجاد می‌کرد و از همه مهیتر عرق‌ریختش تا دقیقه نود، او را در زمره محسوب‌های تیم ملی قرار می‌داد. نوپرور، مربی وحید در هانوفر هم همین عقیده را دارد. «خیلی هم ناامید نشده‌ام. وحید بدشانسی آورد که با تیمش نتوانست آنچنان که باید به رقابت بپردازد. به تنهایی نمی‌توان از حذف تیم از گردونه رقابت‌ها جلوگیری کرد. هاشمیان هم در تیم ایران مرتب فعالیت می‌کرد و تنها باید با پاس هم تیمی‌هایش روبرو و می‌شد که نشد.»

اریکسون مثل اسکولاری

سرمربی تیم ملی فوتبال انگلیز اعلام کرد که پیروزی تیم وی به هر قیمتی در دیدار روز شنبه برابر پرتغال مهم‌تر از زیبا بازی کردن خواهد بود. اسون گوران اریکسون که به علت جذاب نبودن بازی تیمش تحت فشار شدید کارشناسان فوتبال و افکار عمومی انگلیس قرار دارد، در اظهاراتی که روز پنجشنبه در انگلیس منتشر شد، اعلام کرد که سرگرم کردن تماشاگران هوادار تیمش در مقایسه با برتری در مقابل پرتغال در مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی از اهمیت کمتری برخوردار است. سرمربی سوئدی انگلیز تأکید کرد که برای وی فعلاً فقط پیروزی تیمش در این دیدار سرنوشت‌ساز و کنار رفتن از رهبری تیم ملی انگلیس با موفقیت مهم است و راضی نگاه داشتن افکار عمومی را به پس از پیروزی واکاوی نمی‌کند. اریکسون گفت: «گاس هیدلینگ» سرمربی هلندی تیم ملی استرالیا به اندازه فوتبال جذاب و تماشاگرپسند مشهور است. ولی تیم وی و دیگر تیم‌های دارای بازی جذاب از قبیل غنا، ساحل عاج، هلند و اسپانیا همگی حذف شده‌اند و هیچ جایی در مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی ندارند. این در حالی است که اسکولاری مربی پرتغال همواره به نتیجه‌گیری تحت هر شرایطی متعهد بوده و حالا دو مربی با یک طرز فکر روبرو می‌شوند.

چهره



محسن ابراهیمی: هنوز داوری هست که از دیدار مجدد زین‌الدین زیدان به گریه میفتد و ناراحت شود؛ او آنتور بریزو کارتر است، داور مکزیکی که مثل نقل و نبات کارت فرمز می‌داد. در سال ۹۸ هم در بازی با عربستان زیدان بی‌نصبی نماند. کسی باور نمی‌کرد اما او گفت: این هم یک کارت قرمز زیر پایی روی تو. زیدان در آن بازی اخراج شد تا بازی قهرمان شدن مسیر دیگری را طی کند. اما این تمام ماجرا نبود. داور مکزیکي هم بعد از آن اخراج شد. از او آن روز هم صحبت می‌کند: «من بازی فینال خودم را انجام دادم. داوری تیمی که میزبان جام جهانی است همیشه مشکلاتی را به همراه دارد. اگر من زیدان را اخراج نمی‌کردم حتماً بازی فینال را خودم سوت می‌زدَم. من به این موضوع اعتقاد دارم.» اما اخراج زیدان همه چیز را خراب کرد، حتی تفکر فرانسه برای رسیدن به جامی که برای آن نقشه کشیده بود. هر چه بود، خوب باید می‌شد. می‌گویند که بعد از بازی با کره جنوبی در لاپاز یک جای لگد زیدان عصبانی بر روی یکی از درهای رختکن باقی مانده است و به خاطر بازی بد و نتیجه‌ای که چیزی جز ادامه انتقادات را در بر نداشت زیدان در رختکن را شکست. از این حرف‌ها همیشه وجود دارد و البته شک و تردیدها برای تأیید این خبر. اما زیدان همیشه یک ضربه دیگر برای جبران دارد. در این جام جهانی همه قهرمانان و باتجربه‌ها در زمان مناسب توانایی خود را نشان دادند: «دیوید بکام با یک ضربه آزاد انگلیس را به مرحله بعد می‌رساند، تونی یک ضربه پالتی را تبدیل به گل می‌کند، رونالدو با یک گل رکورد جدیدی به جامی گذارد، فیگو با یک پاس گل از راه می‌رسد و زیدان که راه می‌افتد همه چیز را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. او می‌داند که هر بازی می‌تواند بازی آخر باشد و آنهایی که عاشق فوتبال هستند امیدوارند که این بازی آخر زیدان نباشد. اسپانیا برای سهار زیدان تمام سعی خود را به کار نگرفت و همین عملیات نیمه‌تمام باعث شد که زیدان به هدفش برسد. همان‌طور که لیلیان تورام می‌گوید: «حالا می‌توانم به روزنامه‌ها بگویم که اسپانیا روز خوبی را برایت رقم زد. آنها تو را رها کردند تا گل بزنی.» زیدان می‌خندد. اسپانیایی‌ها می‌گفتند که زیدان مثل یک گرسنه دنبال توپ می‌دوید و می‌خواست همه ما را بخورد. او از اعتراض‌ها و انتقادات خسته شده بود و باید برای آخرین بار نشان می‌داد که پیرومد نیست و از تجربه‌اش می‌تواند برای برون استفاده کند. «فقط اینجوری باور می‌کنند که پیر نیستیم و بلکه با تجربه محسوب می‌شویم. می‌خواستیم در میدان نشان دهیم که کیفیت قابل قبولی داریم که نتوانند روی آن حساب کنند.» زیدان این را می‌گوید.

ماجرا ادامه دارد: زیدان و برادرانش، آنهایی که در جام ۹۸ حضور داشتند شش نفر می‌شوند. او، تورام، ویرا، بازت، آتری و ترگه. آنها آماده هستند تا جنگی دیگر را در برابر رونالدو، کافو و کارلوس که در فینال قبلی بازی می‌کردند شروع کنند. آنها می‌خواهند با این خواست و میل بزرگ بار دیگر بزنند این بازی بزرگ باشند همان‌طور که در سال ۱۹۸۶ در گوادالاخارا اتفاق افتاد و زمانی که پلاتینی بازی می‌کرد، زیدان فقط یک طرقدار جدی فرانسوی بود و همه چیز را با

نیمکت

سهیل نوری پناه: اریکسون این روزها در مواجهه با هر خیرنگاری یا یا حضور در تمامی نشست‌های خبری‌اش، بر این نکته تأکید می‌ورزد که مسابقه پرتغال و انگلستان، نبردی میان او و فیلیپه اسکولاری نیست، بلکه مبارزه‌ای است صرفاً میان این دو کشور. مردی که این روزها کمتر حامی‌ای در رسانه‌ها و روزنامه‌های جدی بریتانیا در کنار خود می‌بیند و از نویسنده‌هایی چون برایان گلاویل، کوین مک کارا، هنری وینتر و سایمون بارنس گرفته تا فوتبالیست‌های افسانه‌ای چون سرجف هرست، آلن بال و کنی دالگلیش همه و همه از او با تیغ تیز انتقادشان اوست. با‌تمام این اوصاف، اجتناب‌ناپذیر است و احق و ساده‌د بود که در صورت در اختیار داشتن آکترتاریو‌هایی بسان جریمین مدفون، اندی جانسون و یا حتی دارن بنت و جیمز بینی به نوجوانی اعتماد می‌کنند که به عقیده آلن اسمیت، ستون‌نویس دیلی‌لنگراف، می‌تواند لقب برترین تورپست تابستان آلمان را از آن خود کند!

جدا از چنین شرایط سخت، اما و اگر‌های تمام‌نشده‌ی و باید و نبایدهای دامنه‌دار– در اینکه بکام بازی کند یا آپرون لنن، گری نویل خواهد‌رسید یا نه، مایکل کریک موثرتر است یا اوون هارگریوز، وین رونی در خط حمله تنها باشد یا کراوچ را در کنارش ببیند– این مرد سوئدی بیش از یک مسئله سرگیجه‌آور است. با‌تمام این اوصاف، اجتناب‌ناپذیر است که وقتی پرتغال و انگلستان– که بذر عداوتشان از جام جهانی ۱۹۶۶ پاشیده شد– در گلزن‌کُشن به مصاف هم می‌روند، نگاهی طعنه‌آمیز به سیمای اریکسون و فیلیپو نیفکنیم. نبردی میان این دو مرد که برای سومیان بار به مبارزه بکندیگر می‌روند. یکی به حرارت آتشفشان و دیگری به سردی یخ. هر مقایسه‌ای میان این دو ما را بیش از پیش از فاصله عمیق و چشمگیر تفکرات، ایده‌ها و نیز کاربازی‌های این دو مرد آگاه می‌سازد. اگر اریکسون به سبب ذائقه سوئدی و محافظه‌کارانه‌اش سیستم را براساس ستاره‌هایش طراحی می‌کند، در عوض «فیلیانو» آن گائوچوئی سرسخت، مردی با کاربازی‌های بسان «مارلون براندو» و با قامتی افراشته چون «برت رینولدز» همواره ستاره‌هایش را بر اساس تاکتیک‌های ایده‌آلش گزینش می‌کند. مثلاً در یورو ۲۰۰۴ وقتی تیمش را در بازی افتتاحیه در یونان گل‌کشید خورده یافت، آنگاه با یک دگرگونی حیرت‌انگیز، پس از آن پرتغال را تا فینال در

زیدان؛ برادر بزرگ‌تر

خاطره پنالتی‌های نفس‌گیر به یاد دارد «زنده‌باد فرانسه»؛ خاطره‌ای که شیرینی آن را هنوز به یاد دارد. حالا زنده‌باد زیدان شنیده می‌شود و هیچ کس این فریادها را از سال ۹۸ تا به امروز پنهان نکرده است و باز همه امیدوارند تا برای زیدان فریاد بکشند. فرانسه یک نابغه می‌خواست و زیدان را پیدا کرد. خورخه والدانو در مورد او و اولین ملاقات‌ها در ژنل می‌گوید: «زیدان به خوبی می‌تواند در شرایط سخت اینچنینی با کمترین استرس و هیجانی بازی کند. در حقیقت زیدان در این شرایط به خوبی جواب داده است و می‌توان روی او حساب کرد.» و همیشه همراه با یک گل، او این بار در درون خود موسیقی موتسارت، دست‌های رافائل و اشعار پرودر را احساس می‌کند. فقط با کافی نیست. نبوغ و خلاقیت نیز لازم است. زیدان همیشه به طور ساده و واضح کارهایش را انجام می‌دهد و هیچ‌گاه نمی‌توانید او را در شرایط سخت ببینید. سن او روی پاهایش سنگینی می‌کند و هر بازی می‌تواند باعث سقوط شود اما فرانسوی‌ها اعتقاد دارند که برای یک بار هم که شده می‌توانند به پاهای این ۳۴ساله اعتماد کنند و امیدوار باشند. شاید دیگران در موقعیت متزلزل باشند اما زیدان اینطور نیست.

گل او به اسپانیا نشان داد اسلalom او در بین هزاران فکر و تاکتیکی که می‌توانست آخرین گل او در جام جهانی باشد به زیبایی به گل ختم شد. یک گل برای فرانسه، یک گل برای خودش. یک گل برای فوتبال و یک گل مقابل اسپانیا. برای شکست تیمی که دیگر به آنها احتیاجی ندارد. «واقعاً این می‌تواند جالب‌باشد که ما هنوز پیش می‌رویم و ماجرای جام‌جهانی ادامه دارد. فرانسه دوباره متزلزل شده‌است. گل سوم جایزه‌ای برای من بود اما اینجا فقط پیروزی مهم است.» فرانسه به شانزلیزه برگشته است. بیست میلیون یای تلویزیون‌های نشسته‌اند. شیراک دستش را روی لبش می‌گذارد و می‌گوید: «از این تیم ملی خوشند هستیم.» همه چیز مثل دوران جام جهانی ۹۸ است و همه برای یک جشن بزرگ آماده شده‌اند. این‌بار فینال زودسر در انتظار است: مقابل برزیل آن هم در مرحله یک‌چهارم نهایی. زیدان باید یک بار دیگر هرنمندی خود را نشان دهد. در برابر دوستانش که در ژنل در کنار هم بازی می‌کنند و رونالدینیو که بعد از بارسا در جام جهانی هم یک رقیب زده است. زیدان می‌گوید: «تیم ما شرایط مطلوب خود را پیدا کرده است و آماده و هماهنگ شده‌ایم. می‌دانم که بازی سختی خواهد بود اما برای ما می‌تواند ابتدای راه باشد. برزیل تیم بزرگی است و همه آنها را می‌شناسم. برزیل اگر تیم هجومی نباشد آن‌وقت شناسه و هویت خود را از دست داده است. مثل آرژانتین که امروز تیم دیگری است. این فینال هم دور نیست. در این مرحله همه تیم‌های بزرگ حضور دارند و همین نشان می‌دهد که فرانسه هم قدرت خودش را دارد. این بازی مسلماً زیبایی‌های خودش را دارد و امیدوارم که به نفع ما تمام شود.» روزهای آخر زندگی زیدان باید باشکوه تمام شود. همه انتظار چنین اتفاقی را دارند. زیزو برای تمام طرفداران مظهر فوتبال زیبا، اطمینان و مداومت است. او در ۳ بازی اول سختی کشید و یادگاری از ده سال دوست دارد که حداقل جام جهانی آلمان پایان خوشی برای دوره باشکوه فوتبالتش باشد.

ورزشی

رونالدو؛ با تمام وجود



همه او را می‌شناسند: لوئیس نازاریو. از وقتی که با تیم بارسلونا همه حریفان را درپیل زد و با آن پاهای جادویی حتی از دروازه‌بان حریف هم گذشت و گل زد. او مدت‌ها است که با تکنیک خیرکننده‌اش همه را به وجد می‌آورد و در بازی مقابل غنا هم– در یکی از آخرین سریال‌های نمایشی‌اش با درپیل سریع و عوض کردن پا، ریچارد گینستون را مقهور قدرت خود کرد که حتی دروازه‌بان غنا برای لحظاتی یادش رفت نام واقعی‌اش چیست. رونالدو رکورددار بهترین گلزن جام جهانی است با ۱۵ گل زده. هیچ مثل او نمی‌تواند گل بزند و هیچ کسی هم مثل او مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد. رونالدو ۸ سال زندگی سخت و متفاوتی را پشت سر گذاشته است. او همیشه بازیکن بزرگی بوده است حتی اگر طرفداران فوتبال بازی‌های بزرگش را به یاد نیاورند، آن چشم‌های اشکار که زانوایش را از درد بغل کرده بود فراموش کرده باشند و باز هم از او ایراد بگیرند. اگر گل‌های بازی‌های دوستانه را کنار بگذاریم رونالدو در جام‌های مختلف و تیم ملی ۳۲۰ گل به ثمر رسانده است و می‌توان در آن گل‌ها هم صحنه‌های زیبا و خاطره‌انگیزی از فوتبال زیباترین او را پیدا کرد. هیچ کس نمی‌تواند از او خاطره یک دعوا در زمین یا بیرون از میدان را به‌یاد بیاورد. هیچ جمله عجیب و ناخوشایندی از او نشنیده‌اند، حتی اگر سیسئونه و کوپر هم از او ایراد بگیرند و بازی او را قبول نداشته باشند. اما باز هم رونی‌را خودش را می‌رود. همه آنها می‌گویند که شب‌ها دویستگ تعطیل و همه باید به می‌بیند می‌دانند که او هیچ غرور و فخری نمی‌فروشد و با همه دوستان و اطرافیانش راحت و صمیمی است و حتی می‌توان با او در خیابان ایستاد و از هر دری صحبت کرد بدون اینکه ذره‌ای عصبانی شود. به همین خاطر به همه دوستانش می‌گویند که شب‌ها دویستگ تعطیل و همه باید به خانه‌هایشان بروند و توضیح می‌دهد که خودش هم یکی از آنها بوده و شاید همین داستان‌ها برایش اتفاق می‌افتاد اما امروز که جایگاهی متفاوت است باید راه درست و معقولی را انتخاب کند. رونالدو حالا ۳۰ساله است و کین روزهای جام جهانی با تمام داستان‌هایی که دارد بازی‌اش جذاب است. او امروز بالاتر از ژوست فوتن و گرد مولر و کلوزه و توتی قرار دارد. او در سه‌دوره جام جهانی گل زده است. تا چندت وقت پیش می‌گفتند که او نمی‌تواند با سر گل بزند. اما گل مقابل ژاپن نشان داد که فقط رونالدو می‌داند کجا ایستد که توپ روی سرش فرود بیاید و آن را تبدیل به گل کند، بدون اینکه بخواهد پرش بلندی داشته باشد. پس چه فرقی می‌کند که او چند کیلو باشد؟چه کسی به یاد دارد وقتی آلویور کان در فینال مقهور ضربه خشک رونالدو بود و او هم ثابت کرد که اگر رونالدو باشی احتیاج ندارید که زیاد بدوید و زجر بکشید. سه بازی رسمی و یک بازی دوستانه هم کافی است تا به مرز ایده‌آل برای گل زدن برسید و کار را تمام کنید. گاهی اوقات هم فقط داشتن نام رونالدو کنایت می‌کند. این داستان‌ها برای رونی همیشه جالب است. او تمام جام‌ها و مدال‌ها را در خانه‌اش دارد ولی فقط یک خاطره تلخ برایش باقی مانده که امروز با آن روبه‌رو می‌شود. فینال ۹۸ و روز تلخی که از صبح شروع شد و تبدیل به رازی شد که هنوز هم پرده از روی آن برداشته‌اند. برزیل بدون رونی آن بازی را باخت. آن شب فقط جسم رونی در میدان بود و روحش یک جای

به سردی یخ، به حرارت آتشفشان

بحث اصلی میان انگلستان و پرتغال است و نه من و اسکولاری. «شاید در اینجا باید به آن دسته از منتقدان

همیشگی اریکسون که می‌گویند او با داشتن چنین طبیعت سرد و «کم‌شور» هیچ گاه نمی‌تواند نه خرد و نه ستاره‌هایش را در میدان مسابقه برای قهرمانی تهییج کند، اندیشید. شاید چنین انتقادی از او از جانب نگاه کشوری چون انگلستان که از دیرباز با مردانی که با توان محرک خود ستاره‌هایی چون بابی چارلتون، نای اسٹایل و ال جورج کوهن را به جاده موفقیت هدایت می‌کردند کاملاً منصفانه باشد. کمتر کسی می‌توان در «مرسی‌ساید» یافت که از شیوه و طریقت بیل شکنلی در روزهای افتخار لیورپول بی‌خبر باشد. مردی که نمادی بود از یک هدایتگر پرسش‌ضعف اسکاتلندنی با شوری لبریزشده… استیو نیکول مدافع راست و چپ

افسانه‌ای آفیلده همواره می‌گفت: «بیل شکنلی شاید علم و دانش بابی رابسون را نداشت اما آن گونه که او ما را برای موفقیت و قهرمانی تحریک می‌کرد، از لیورپول در ایام یک افسانه ساخت.» اریکسون برای چنین مردمان دیوانه و شیفته‌ای بیش از حد «کم‌هیجان» است. پیش از حد کتیه‌آلود بود آن عقاید و نوشته‌های روزنامه‌نگاران این کشور برای اریکسون بودند. وقتی که آن اظهارات را از تمامی آنان می‌خواندید، جمله‌ای که در تمامی آنها تکرار می‌شد این بود: «برای واگذاری چنین صندلی پرتب‌ونایی، به مردی که بتواند غم و ناکامی مردمانی که بیش از چهار دهه با آن زندگی می‌کنند را از بین ببرد نیاز داریم. مردی را بیاورید که در وهله اول از شور و انرژی بهره‌مند می‌شود. خصایصی که با طبیعت و ذات آشنای بریتانیایی همگن باشد. با آگاهی از چنین نکته‌ای، حیرت‌انگیز نیست که بدانیم چرا مارتین اونیل، کسی که چه در لسترستی و چه در سلتیک در طول ۹۰ دقیقه بازی‌های تیمش از فرط هیجان، تا مرز سکه پیش می‌رفت، همواره آمرانه‌ترین گزینه مردم و مفسران فوتبال این کشور بود. اریکسون وقتی چنین ساده‌انگاره‌ه و بی تفاوت «نبره» خود با فیلیپائو را بی اهمیت جلوه می‌دهد و تب و شور آن را به مبارزه دو کشور محدود می‌کند، ناخودآگاه ما را به نگرشی سوق می‌دهد که به مدد آن به این نکته می‌رسیم که احتمالاً «نبره‌رور در گلزن‌کُشن» مکانی است که هت تریک آتشفشان در برابر یخ بی روح کامل می‌شود.

اما این بار، اریکسون شاید با چنین پیش‌زمینه‌ای این کشور پرتغال به دلیل عدم حضور دکو– بازی‌ساز تمام عیارش– و کاستینا– معمار نخست برنامه‌های تدافعی فیلیانو– آن قدرت و استحکام گذشته را ندارد، در پی سر و سامان دادن به وضعیت آماری کارنامه خود در برابر اسکولاری باشد. اما اینکه برای سومیان بار او با مواجه می‌شوم، محسوس‌الام. از هدف من وجه صاف کردن حساب با او نیست. اینجا

کلوپ هواداران

آیا همه چیز منطقی پیش خواهد رفت

علی محسنی : نظرات هواداران فوتبال را که بررسی می‌کنی، گویی برزیل و پرتغال فاتحان بازی‌های روز شنبه خواهند بود. جام، جام منطق است ولی فوتبال که همواره منطقی پیش نمی‌رود!

■ دو چیز ساده؛ در درجه اول، پرتغال همواره پس از سال ۱۹۶۶، انگلیس را می‌برد. . . . پس اکنون نیز چیز تازه‌ای نخواهد بود و ما بردباری و باور بیشتری داریم. . . در وهله بعد، انگلیس تنها با شانس در این مرحله است و گروهبان نیز بسیار ضعیف بود. پس از ایتالیا، آنها غلو شده‌ترین تیم جام جهانی هستند.

ماريو از سوئد
■ من به پرتغال امیدوارم. به‌رغم این که آنها بدون دکو و بسیاری از بازیکنانی که کارت زرد دارند، خواهند بود، امیدوارم با قاطعیت و محکم بازی کنند همان‌گونه که در یورو ۲۰۰۴ و در این جام جهانی نشان داده‌اند. آنها هر موقعیتی را برای شکست انگلیس است.
اب اینیتو از آمریکا

■ پرتغالی‌ها می‌توانند بهترین‌ها را شکست دهند. روسیه را به یاد آورید! (۱–۷) معتقدم آنها نیاز دارند که جنگندگی و همچنین بازی با روحیه را در برزیل می‌بینند، حفظ کنند. این زیربایی ترکیب دکو و اسکولاری است. امیدوارم فیگو برای به دست گرفتن میانه میدان، قدرت درونی را بتواند بیابد. ۶–۵ روز استراحت به فیگو فرصت تامین نیازهایش را می‌دهد.
والتر از کانادا

■ نظراتان در ارتباط با برد ۲–۴ فینال جام جهانی ۱۹۶۶ چیست؟ ما آلمان‌ها را له کردیم. ایوانف کمک زیادی به پرتغالی‌ها کرد!

آلن از آمریکا

برزیل – فرانسه

■ تصور می‌کنم پیررا با تیم ما، بد عمل می‌کند. جونینیو بازیکن بسیار خوبی است و فکر می‌کنم پیررا باید در برابر فرانسه، به او فرصت دهد. رونالدینیو در پست دیگری بازی می‌کند. او باید گل بزند و به رونالدو و آدریانو کمک کند.

ویکتور از برزیل
■ ما نیاز تومان به نتیجه گیری و بازی زیبا در روز شنبه داریم. فرانسه شاید سرعت است. آنها زیر خط پهنه برزیل خرد می‌شوند و بردباری‌ای که آنها علیه اسپانیا نشان دادند، ناکام خواهد ماند اگر برزیل سرعت خود را دیده‌ت کند.

آرجونو از ترکیه
■ برزیل بدون فتح میانه میدان، نمی‌تواند بزنده شود. بنابراین تصور می‌کنم آنها باید بسیار نگران این منطقه فرانسه باشند. احتمالاً این نبرد را فرانسه خواهد برد اما کندی فرانسوی‌ها در پاسخ به خط حمله برزیل به شکستشان منجر خواهد شد.

جان از ترکیه
■ برزیل به این می‌اندیشد که در نیمه نهایی خواهد بود. این همان چیزی است که اسپانیا فکر می‌کرد. برزیل باید این مسابقه را ببرد تا کلاس بالای خود را نشان دهد. اما فرانسه چیزی برای اثبات ندارد.

تاسین از کانادا

خبرها

منچستر تووس را می‌خواهد

باشگاه منچستریونایتد انگلیس در یک قدمی خریداری «فرناندو تورس» بازیکن خط حمله تیم آتلنتیکو مادرید اسپانیا قرار دارد. روزنامه ورزشی آس اسپانیا روز پنجشنبه نوشت: جام‌جهانی برای اسپانیا به پایان رسید و وقت تصمیم‌گیری برای تورس در مورد آینده‌اش فرا رسیده است.

طبق این گزارش مقامات آتلنتیکومادرید و تورس بر این عقیده هستند که زمان جدا شدن او فرارسیده است اما فقط یک مسئله وجود دارد که می‌تواند مانع خروج این بازیکن از باشگاه اسپانیایی شود. آن مسئله این است که تورس ستاره درخشان آتلنتیکومادرید و کاپیتان این تیم مهم‌ترین بازیکن آتلنتیکو است و مسئولان این باشگاه از واکنش هواداران این تیم در برابر فروش او واهمه دارند. تورس ۲۲ سال دارد و منچستریونایتد پس از مشاهده بازی درخشان وی در جام جهانی حاضر به پرداخت ۴۰ میلیون یورو برای خریداری وی شد.

کلینزن: به فوتبال آلمان خدمت کرده‌ایم

یورگن کلینزن سرمربی تیم ملی آلمان اعتقاد دارد که تیم کشورش به فوتبال این کشور خدمت کرده است. یورگن کلینزنمن در گفت‌وگو با کیپر گفت: توانسته‌ایم با بازی‌های خوب تحرک تازه‌ای را وارد فوتبال آلمان سازم. او ادامه داد: با بازی‌های خوب خود باعث شدیم تا حامیان مالی به وجد بیایند، ورزشگاه‌ها مملو از تماشاگر شوند و رسانه‌ها رونق پیدا کنند. به این ترتیب به فوتبال آلمان خدمت کرده‌ایم. وی تصریح کرد: در تیم آلمان فلسفه جدیدی از بازی را ایجاد کردیم که مبتنی بر شور و هیجان و انجام بازی هجومی و تماشاپرسند است. امیدوارم در ده‌های باشگاهی نیز این فلسفه جا بیفتد و فوتبال باشگاهی آلمان نیز از تحرک تازه‌ای برخوردار شود.

گل رونالدو یک غنایی را کشت

بازی غنا و برزیل یک کشته به جا گذاشت. یکی از هواداران تیم ملی فوتبال غنا زمانی که «رونالدو» دروازه این تیم را باز کرد، به علت سکه قلبی جان سپرد. ریچارد آمتاوو جوان ۲۵ ساله غنایی سه شنبه شب گذشته زمانی که در حال مشاهده دیدار تیم‌های برزیل و غنا بود، هنگامی که رونالدو گل اول تیم برزیل را به ثمر رساند دچار حمله قلبی شد و پس از انتقال به بیمارستان درگذشت.